

زکی الارسوزی



صلاح بيطار



میشل عفلق



رهبران حزب بعث سوریه

# بعد سوم نزع شام

بررسی تحلیلی رقابت اخوان المسلمین و حزب بعث در سوریه

علیرضا خواص

ناسیونالیسم سوسیالیستی عربی

ریشه‌های حزب بعث در جهان عرب ا باید در سوریه جست و جو کرد. این موضوع به سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۰ میلادی مربوط می‌شود که مجامع سری با عنوان فطاط، قحطانیه و العهد به منظور مبارزه با سلطه عثمانی در کشورهای عربی ایجاد شد. از سال ۱۹۲۰ که سرزمین‌های عربی خاور میانه بر اساس تصمیمات کنفرانس "سان ریمو" تحت قیمومیت انگلیس و فرانسه قرار گرفت، حزب با عنوان استقلال با زیربنای فکری ناسیونالیسم عربی در سوریه، اردن و عراق در جهت مبارزه با استعمار و حیات بخشیدن به هویت عرب تشکیل شد. با این حال این حزب در سال ۱۹۳۹ به علت نفوذ عوامل استعمار فرانسه به درون آن و ایجاد انشعابات به ناپودی کشیده شد و از درون ویرانه‌های آن دو حزب جدید یکی به نام حزب "ناسیونالیستی عرب" به رهبری زکی الارسوزی (علوی) و دیگری حزب "احیا العرب" به رهبری میشل عفلق (مسیحی) و صلاح بيطار (سنی) تشکیل شد. حزب سوسیالیست بعث عرب بر اثر ادغام این دو حزب و حزب "سوسیالیست عرب" به ریاست اکرم حورانی در اواخر ۱۹۵۲ شکل گرفت، این حزب در سال ۱۹۵۳ به نام حزب سوسیالیست بعث عرب سوریه معروف شد.<sup>۱</sup>

با وجود نفوذ گسترش اندیشه بعثی در کشورهای سوریه، عراق، لبنان، اردن، فلسطین و مصر<sup>۲</sup>؛ ناسیونالیسم سوسیالیستی عربی تنها در دمشق و بغداد بود که توانست حکومت تشکیل دهد.

در عراق حزب بعث توانست با کودتاهای فراوان توسط اعضای این حزب و در رأس آن هاشم حسینی قدرت را در عراق قبضه کند. در سوریه نیز حافظ اسد با طی مراحل قدرت تلاش کرد تا حزب بعث را حاکم کند. او ابتدا افسر ارتش، سپس وزیر دفاع و سپس نخست وزیر سوریه شد. وی بلافاصله چند ماه بعد از نخست وزیری در یک همه پرسی به ریاست جمهوری رسید.

اعتقاد حزب بعث به اصالت و رسالت قومیت عرب است. این حزب به تأسیس دولت واحد عرب که از خلیج فارس تا قیانونوس اطلس گسترده باشد، اعتقاد دارد. سوسیالیسم بعث نیز بر پایه همکاری و تعاون اقشار اجتماعی استوار است و نه بر اساس جنگ و مبارزه طبقاتی، از این رو بعضی‌ها با سوسیالیسم علمی مخالفند و اصولاً سوسیالیسم را نوعی ناسیونالیسم می‌دانند که به اعراب امکان می‌دهد تا نیروهای بالقوه خود را به منصه ظهور برسانند. بعث به جدایی دین از سیاست معتقد است و اهمیتی که به اسلام می‌دهد

با وجود این که حزب در کشورهای عربی سابقه طولانی ندارد، اما برخی از تحلیل گران معتقدند یکی از تأثیر گذارترین نهادهای سیاسی در دنیای عرب (به استثنای شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس) احزاب و تشکلات سیاسی هستند. احزاب عربی نقش به سزایی در به حرکت در آوردن چرخه سیاسی کشورشان ایفا کرده اند به گونه ای که تاکنون توانسته اند در تحولات خود در گذار از سلطنت به جمهوری نقش مهمی را ایفا کنند، هر چند این جمهوری‌ها با معنی دموکراتیک آن فاصله زیادی داشته است. از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های حزب و فعالیت سیاسی در کشورهای عربی فراملی بودن این حرکت هاست. اخوان المسلمین که توسط حسن البنا در مصر ایجاد شد به سرعت در اکثر کشورهای عربی شعبه ایجاد کرد، حزب بعث نیز که تحت تأثیر افکار میشل عفلق، زکی الارسوزی و صلاح بيطار در سوریه شکل گرفته بود خیلی زود به یکی از جریان‌های اصلی اندیشه جهان عرب تبدیل شد، علاوه بر این ۲ جریان سیاسی گسترش ناسیونالیسم عربی تحت تأثیر اندیشه‌های ناصر، بسط تفکر حزبی در میان جریان‌های سیاسی شیعی تحت تأثیر حزب الدعوة و تشدید و یک دهه‌ای تکفیری و افراطی توسط حزب التحریر و القاعده، شاهد این مدعا است.

رقابت و کشمکش میان احزاب و گروه‌های سیاسی برای "هویت بخشی به جهان عرب"، "اعتلای جایگاه اعراب در مقابل تحقیرهای تاریخی به ویژه پس از استیلای ترکان عثمانی و استعمارگران اروپایی" و همچنین "ارائه مدل مطلوب حکومتی"، در یک صد سال اخیر همواره با فراز و فرودهایی همراه بوده و هر از چندگاهی به تغییر مهره‌های بازی شطرنج سیاست در خاور میانه منتهی می‌شده است. در این میان حضور مداوم حزب بعث در عراق و سوریه برای مدت طولانی و نفوذ بالای جماعت اخوان المسلمین در میان توده‌ها در کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا و همچنین افول جریان‌های ناصری این دو حزب را به دور قیادیرینه در صحنه سیاست جهان عرب تبدیل کرده است. از همین رو با وجود این که رقابت قدرت‌های منطقه‌ای برای افزایش ضریب نفوذ پیرامونی خود از یک سو و مداخلات بین المللی برای حفظ منافع استعماری از سوی دیگر دو پایه اصلی بحران سوریه را تشکیل می‌دهد، رقابت تاریخی این دو جریان سیاسی را می‌توان بعد سوم ناآرامی‌های سوریه دانست.

اخوان سوریه و سوسیالیسم اسلامی

خاستگاه جنبش اخوان المسلمین هر چند در ابتدا مصر بود اما در این کشور ماندگار و محصور نشد. این تفکر به کشورهای فلسطین، اردن، ترکیه، سوریه و حتی ایران نیز صادر شد. بنیان گذار شاخه اخوانی سوریه شخصی به نام دکتر مصطفی السباعی است که دوست و هم دانشگاهی حسن البنا بنیان گذار اصلی جنبش اخوان المسلمین در جهان اسلام محسوب می‌شود. ریشه‌های اخوان المسلمین سوریه را می‌توان در جمعیت‌های اسلامی یا جوامع خیریه اجتماعی گوناگونی جست و جو کرد که طی اواخر قرن نوزدهم به وجود آمدند. اخوان المسلمین در ۱۹۳۵ در شهر حلب تأسیس شد. در ۱۹۴۴ که دکتر مصطفی السباعی چندین جامعه اسلامی سوریه را در هم ادغام کرده بود، مقرر خود را به دمشق منتقل کرد. وی به عنوان ناظر کل (مراقب العام)، از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۱ اخوان المسلمین سوریه را با همکاری اخوان المسلمین مصر رهبری کرد. اخوان المسلمین سوریه از نظر ساختاری همانند اخوان مصر بود. گرچه ۲ گروه به یکدیگر به عنوان یک جنبش واحد نگاه می‌کردند، اما در عمل خودمختار بودند. اخوان المسلمین سوریه، مانند الگوی مصری خود، بیشتر از سوی عناصر طبقه متوسط و متوسط پایین جامعه، نظیر تجار بازار، روحانیان، معلمان، دارندگان مشاغل حرفه‌ای، و بوروکرات‌ها حمایت می‌شد. اما برخلاف مصر، طبقه متوسط پایین روستایی در اخوان المسلمین سوریه جایگاه ویژه‌ای نداشت. هر چند در دهه ۱۹۵۰، سباعی تحت تأثیر تسلط گفتمان چپ "نظریه سوسیالیسم اسلامی" را مطرح کرد با این حال جهت گیری ایدئولوژیک وی به حسن البنا نزدیک بود. بنیادهای فکری السباعی و آشنایی وی با اندیشه اخوان در دانشگاه‌ها و قاهره شکل گرفت. همان جایی که فعالیت‌های انقلابی اش باعث زندانی شدن او در مصر و سپس در سوریه تحت کنترل فرانسویان شد. اشغال سوریه از سوی فرانسه و نتایج سیاسی - اقتصادی ناشی از تعمیم و شکاف جهان عرب به واحدهای ملی جداگانه از یک سو و تلاش برای احیای کرامت مسلمانان تحت تأثیر اندیشه سلفی گرای مصری از سوی دیگر را می‌توان انگیزه‌های فعالیت طرفداران اخوان المسلمین در سوریه دانست. سباعی جنبش خود را روح و انقلاب جدیدی می‌دانست که هدفش استقرار یک نظام اسلامی جامع بود.

رقابت میان دو حزب

از زمان اشغال سوریه توسط فرانسه تا روی کار آمدن حزب بعث در آن بین اخوانی‌ها و بعضی‌ها برای کسب قدرت رقابت بوده است. شکست ۱۹۴۸ اعراب به توسعه و گسترش اخوان کمک کرد و همین امر باعث شد تا سهرنگ ادیب شیشکی در سال ۱۹۵۲ به سرکوب آن بپردازند. اخوان در سال‌های وحدت مصر و سوریه فعال نبود چون بیشتر حامیان آن به طرف ناصر گرایش پیدا کردند و سباعی در ۱۹۵۸ برای برآوردن آرزوی ناصر، گروه خود را منحل اعلام کرد.